

## تحلیل و ارزیابی موانع اثربخشی دروس معارف اسلامی (مطالعه‌ی موردی دانشگاه علوم پزشکی کاشان) دکتر محمد امینی<sup>۱</sup>، دکتر حمید رحیمی<sup>۲</sup>، زهره صمدیان<sup>۳</sup>

نویسنده مسئول: کاشان، دانشگاه کاشان، دانشکده‌ی علوم انسانی amini2740@yahoo.com

دریافت: ۹۱/۸/۳۰ پذیرش: ۹۲/۲/۱۰

### چکیده

**زمینه و هدف:** هدف این پژوهش تحلیل و ارزیابی موانع اثربخشی دروس معارف اسلامی در دانشگاه علوم پزشکی کاشان بود.

**روش بررسی:** جامعه‌ی آماری این تحقیق شامل کلیه‌ی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کاشان به تعداد ۲۴۵۷ نفر بود که به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای متناسب با حجم، تعداد ۱۰۶ دانشجو به عنوان گروه نمونه انتخاب شدند. ابزار جمع‌آوری اطلاعات در این تحقیق، پرسشنامه محقق ساخته در قالب ۶۱ سوال بود که ضریب پایایی آن از طریق آلفای کرونباخ ۰/۸۳ برآورد شد. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از شاخص‌های آماری استنباطی (آزمون T، تحلیل واریانس و ...) استفاده گردید.

**یافته‌ها:** یافته‌ها نشان داد که وضعیت کلی اجرای برنامه‌های درسی معارف اسلامی در دانشگاه‌ها نسبتاً درحد مطلوب بود؛ ولی در عین حال مجموعه‌ای از عوامل درونی و بیرونی مانع اثربخشی و تأثیرگذاری لازم روی دانشجویان می‌گردید.

**نتیجه‌گیری:** در بین عوامل درونی مولفه‌ی ارزشیابی و در میان عوامل بیرونی عامل اجتماع و شرایط محیطی از نظر دانشجویان عمده‌ترین موانع اثربخشی دروس معارف اسلامی می‌باشد.

**واژگان کلیدی:** دروس معارف اسلامی، عوامل درونی، عوامل بیرونی، محتوای یادگیری.

### مقدمه

دارد (۲). از این منظر، فلسفه‌ی وجودی گنجاندن دروس معارف اسلامی، کمک به دانشگاه‌ها در ایفای نقش ذاتی و مأموریت اساسی آن‌ها یعنی انسان‌سازی است، زیرا دانشگاه کارخانه‌ی آدم‌سازی بوده، صلاح و فساد جامعه بدان وابسته است (۳). دروسی که اهداف اساسی آن شامل مواردی همچون آشنا کردن دانشجویان با اندیشه‌های دینی درحوزه‌ی باورها، اخلاق، تاریخ اسلام و تاریخ معاصر، تبیین اندیشه‌ی

آموزش ارزش‌ها همواره یکی از اهداف مهم نظام‌های آموزشی تلقی می‌شود، زیرا آن‌ها در پی آن هستند که فرهنگ و ارزش‌های مربوط به آن را به نسل آینده منتقل کنند (۱). بنابراین در راستای رشد هرچه بیشتر دانشجویان باید شرایطی در دانشگاه‌ها و محیط‌های آموزشی حاکم گردد که علوم انسانی و اسلامی از جاذبه‌های بیشتری برخوردار شود. زیرا این امر در تقویت بعد معنوی دانشجویان نقش به‌سزایی

۱- دکتری برنامه‌ریزی درسی، استادیار دانشگاه کاشان

۲- دکتری مدیریت آموزشی، استادیار دانشگاه کاشان

۳- کارشناس ارشد برنامه‌ریزی درسی، دانشگاه کاشان

دینی از طریق ادبیات دانشگاهی، ارتقای معنویت و اخلاق دانشجویان، حل مشکلات عاطفی آن‌ها، پاسخگویی به مسایل وجودی انسان، افزایش آگاهی دانشجویان نسبت به تفکر دینی، ایجاد تغییرات مود نظر در رفتار و عادات دانشجویان و... می‌باشد (۳). با عنایت به اهداف و کارکردهای مذکور است که توفیقی (۴) تاکید می‌کند اگر بدون زیر سازی‌های لازم که توسط دروس معارف اسلامی ایجاد می‌شود دانشجویان وارد جامعه گردند دچار بی هویتی و سر درگمی می‌شوند. لذا دروس مذکور نقش تعیین کننده‌ای در تعلیم و تربیت دانشجویان ایفا می‌کنند و اگر این دروس تضعیف شوند خسارات جبران ناپذیری به نظام آموزشی دانشگاهی وارد می‌شود. با توجه به اهداف یاد شده و این که ارزشیابی یکی از مهم‌ترین ابزار، جهت توسعه‌ی راهبردی در محیط‌های آموزشی عالی است (۵)، و ارزیابی برنامه‌ها و واحدهای درسی دانشگاه به منزله‌ی یک الزام و ضرورت همیشگی جهت بهبود و ارتقای کیفیت برنامه‌ها و واحدهای مذکور است (۶) و راه حل بهبود کیفیت آموزشی، ایجاد ساز و کاری مناسب برای ارزیابی مستمر و مداوم برنامه‌های درسی و آموزشی و دانشگاهی می‌باشد (۷). بنابراین، ارزیابی مهم‌ترین مسایل و مشکلاتی که مانع اثرگذاری واقعی دروس معارف اسلامی بر روی دانشجویان می‌گردد، داده‌ها و اطلاعات مستندی را برای اصلاح و ارتقای جایگاه دروس مذکور فراهم می‌سازد. کاشانی (۸) معتقد است که در یک ارزیابی منصفانه از نظام آموزش عالی ایران می‌توان عدم موفقیت آن را در ارایه‌ی الگوی موفق اندیشه و عمل دینی در محیط‌های دانشگاهی مورد تاکید قرار داد. عاشوری تلوکی (۹) در بررسی خود، مهم‌ترین مشکلات دروس معارف اسلامی دانشگاه‌ها را شامل مواردی همچون متون درسی ناهمخوان با سوالات و نیازهای امروز دانشجویان، کمبود صلاحیت‌های حرفه‌ای اساتید معارف، مدیریت‌های دانشگاهی ناکارآمد، جایگاه دروس

معارف اسلامی، آشفتگی و نابسامانی در ارایه‌ی آموزش معارف مطرح و مورد بحث قرار می‌دهد. پژوهش مجیدی و فاتحی (۳) بیانگر آن است که دروس مذکور از نظر سایر شاخص‌ها در وضعیت مطلوبی قرار ندارند. لیاقت دار و همکاران (۱۰) در تحقیق خود نشان می‌دهند که میزان رضایت دانشجویان از محتوای کتب معارف اسلامی کمتر از حد متوسط می‌باشد. شفیع پورمطلق و خدادادی (۲) در پژوهشی عوامل موثر بر جذابیت کلاس‌های درس معارف اسلامی را مورد بررسی قرار دادند، و معتقدند که عوامل چهارگانه (اساتید، محتوای آموزشی، شیوه‌های ارزشیابی و محیط و جو کلاسی) در جذابیت بخشیدن به کلاس‌های دروس معارف و گسترش بحث و مناظره در آن‌ها نقش اساسی دارد. یافته‌های تحقیق یوسفی لویه (۱۱) نیز نشان می‌دهد که دروس یادشده با موانع و مشکلات جدی همچون ضعف علمی و رفتاری اساتید، محتوای نامناسب کتب، استفاده از روش‌های تدریس ناکارآمد مواجه می‌باشند. همچنین، پژوهشگر مذکور (۱۲) در تحقیقی دیگر به بررسی تأثیر آموزش دروس معارف اسلامی بر روی نگرش دینی دانشجویان پرداخته و نتیجه می‌گیرد که آموزش و گذراندن بعضی از دروس معارف اسلامی (اخلاق اسلامی، متون اسلامی، تاریخ اسلامی، انقلاب اسلامی و ریشه های آن) هیچ تأثیری بر روی نگرش دینی دانشجویان برجای نگذاشته است. یافته‌های پژوهش حسین زاده (۱۳) نیز نشانگر آن است که تسلط و احاطه اساتید معارف اسلامی بر روی محتوای دروس، سازماندهی صحیح کتب معارف، استفاده بهینه و مؤثر از وسایل کمک آموزشی و ... باعث افزایش کیفیت آموزشی دروس معارف می‌گردد. همچنین نتایج تحقیق آقاجانی و فرزند وحی (۱۴) نشان می‌دهند که سرفصل دروس معارف اسلامی باید با مسایل سیاسی، اجتماعی و اخلاقی جامعه که مورد نیاز جوانان در جهان امروز است، مطابقت داشته باشد. به هر حال، مطالب ذکر شده در فوق، بنیادهای

جنسیت، رشته و مقطع تحصیلی را در این زمینه مورد بررسی قرار داد.

### روش بررسی

مطالعه‌ی حاضر مطالعه‌ی توصیفی پیمایشی است. این پژوهش از آن جایی که به بررسی وضع موجود پرداخت، در قلمرو تحقیقات توصیفی قرار داشت واز آن جایی که به بررسی نظرات دانشجویان در مورد موانع اثر گذاری دروس معارف اسلامی پرداخت، از نوع پیمایشی بود. جامعه‌ی آماری پژوهش شامل کلیه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کاشان در سال تحصیلی ۹۱-۹۰ به تعداد ۲۴۵۷ بود که از میان آن‌ها تعداد ۱۰۶ نفر به عنوان نمونه انتخاب گردید. حجم نمونه آماری پژوهش با استفاده از فرمول ۱۰۶ نفر به دست آمد که در این پژوهش تعداد ۸۶ پرسشنامه برگشت داده شد.

$$N = \frac{2457(1/96)^2 \times (0/3)^2}{2457(0/02)^2 + (1/96)^2 \times (0/3)^2}$$

با توجه به اینکه نرخ بازگشت پرسشنامه‌ها ۰/۸۱ بود بر این اساس تجزیه و تحلیل آماری بر روی ۸۶ آزمودنی انجام گرفت و توان آماری و سطح معناداری پس از تحلیل مقدماتی محاسبه گردید و کفایت حجم نمونه برآورد گردید. در تحقیقات میدانی در صورتی که پس از تحلیل، توان آماری کم تر از ۰/۸۰ باشد لازم است تعدادی به عنوان حجم نمونه اضافه شود. در این پژوهش کفایت آماری از آن جا مشخص گردید که توان آماری نزدیک به ۰/۸۹ برآورد گردید. براین اساس بر روی ۸۶ نفر تحلیل آماری انجام گردید. ابزار گردآوری داده ها، پرسشنامه محقق ساخته در قالب ۶۱ سوال بسته پاسخ در طیف پنج درجه ای لیکرت (با میانگین فرضی ۳ از کاملاً موافقم ۵ تا کاملاً مخالفم ۱) تهیه شد و دارای ده مولفه در زمینه‌ی محتوا، روش تدریس، توانایی علمی اساتید،

نظری لازم را برای توجه علمی و جدی به دروس معارف اسلامی و بررسی مهم‌ترین و اساسی‌ترین مشکلات و چالش‌های مبتلا به آن‌ها را ضروری می‌سازد. در این پژوهش به منظور تبیین و تدوین چهارچوبی دقیق تر برای بررسی مشکلات دروس معارف اسلامی، موانع اثرگذاری این دروس در قالب دو دسته یعنی عوامل درونی و عوامل بیرونی مطرح و مورد بررسی قرار گرفت. عوامل درونی ناظر بر عناصر اصلی تکمیل دهنده‌ی برنامه‌های درسی و آموزشی هستند که هر برنامه‌ای به خاطر آن‌ها از هویت و ویژگی‌های خاص خود برخوردار می‌شوند. عناصری همچون اهداف، محتوا، روش‌های تدریس و شیوه‌های ارزشیابی که برخی صاحب‌نظران از ۹ عنصر و برخی دیگر از ۴ عنصر نام برده‌اند (۱۵). در این تحقیق از میان عوامل درونی مشخصاً محتوا و نحوه‌ی سازماندهی آن، جایگاه دروس معارف (از نظر عمومی و اجباری بودن)، روش‌های تدریس، توانایی علمی و تخصصی اساتید، شخصیت و ویژگی‌های رفتاری آنان، شیوه‌های ارزشیابی به عنوان متغیرهای اصلی مورد بررسی قرار گرفته اند. اما منظور از عوامل بیرونی مجموعه عواملی است که خارج از محیط آموزشی قرار دارند. این عوامل در سطوح ملی، محلی، منطقه ای و مدرسه می‌توانند اجرای برنامه‌های آموزشی را تسهیل کرده، بالعکس بر سر راه آن موانعی را ایجاد کنند (۱۶). در این تحقیق، از میان عوامل مذکور عناصری همچون وضعیت خانوادگی دانشجویان، رسانه، فعالیت‌های فوق برنامه دانشگاه و اجتماع به عنوان متغیرهای اصلی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. باعنایت به مطالب مذکور، هدف پژوهش حاضر این بود که اصولاً تا چه اندازه وضعیت موجود اجرای دروس معارف اسلامی از دیدگاه دانشجویان مطلوب است؟ درعین حال نقش و جایگاه عوامل درونی و بیرونی را به عنوان موانع اصلی اثربخشی دروس معارف اسلامی مشخص و مستند کرده، نقش متغیرهایی نظیر

ویژگی‌های شخصیتی اساتید، جایگاه دروس معارف اسلامی، ارزشیابی، اجتماع، رسانه، جو حاکم برداشگاه و خانواده بود. رویی پرسشنامه به صورت صوری و محتوایی توسط اساتید و متخصصان مورد تایید قرار گرفت. پایایی پرسشنامه براساس ضریب آلفای کرونباخ ۸۳ درصد برآورد گردید. تجزیه و تحلیل داده ها در سطح آمار استنباطی (تحلیل واریانس، آزمون T و...) انجام گرفت. آزمون T تک نمونه ای برای بررسی جهت سنجش میانگین متغیرها و ابعاد آن استفاده گردید تا مشخص گردد آیا میانگین متغیرها و مولفه‌های آن بالاتر از حد متوسط است یا پایین تر از حد متوسط. برای مقایسه‌ی میانگین در دو گروه از آزمون T مستقل و برای بررسی میانگین متغیرها در بیش از دو گروه از آزمون تحلیل واریانس استفاده شد.

#### یافته‌ها

از نمونه‌ی مورد مطالعه ۵۳/۸ درصد مربوط به دانشجویان دختر و ۴۳/۵ درصد مربوط به دانشجویان پسر بود. بالاترین میزان فراوانی مربوط به رشته بهداشت به میزان ۰/۲۷ درصد و کمترین میزان فراوانی مربوط به رشته‌ی پزشکی به میزان ۰/۰۶ درصد بود. ۸۲/۵ درصد دانشجویان کارشناسی و ۱۷/۵ درصد دانشجویان کارشناسی ارشد بودند. نتایج جدول (۱) نشان می‌دهد وضعیت موجود اجرای دروس

معارف اسلامی در سطح خطای ۰/۰۵ از لحاظ مطلوبیت بالاتر از حد متوسط (۳) بود، به عبارت دیگر میزان تاثیر گذاری برنامه‌ی درسی معارف اسلامی از دیدگاه دانشجویان در سطح نسبتاً مطلوب بود.

جدول ۲ نشان می‌دهد میانگین همه عوامل درونی بالاتر از حد متوسط (۳) بود.

به عبارت دیگر این عوامل به عنوان مانع درونی اساسی در اجرای برنامه درسی معارف اسلامی شناخته شد. از میان عوامل درونی مانع اثرگذاری دروس معارف اسلامی عوامل (توانایی علمی اساتید، ویژگی‌های شخصیتی اساتید، ارزشیابی) در سطح ۰/۰۵ معنادار بود.

جدول ۳ نشان داد میانگین همه عوامل بیرونی بالاتر از حد متوسط بود. به عبارت دیگر این عوامل به عنوان مانع بیرونی اساسی در اجرای برنامه درسی معارف اسلامی شناخته شد. اما از نظر آماری عامل رسانه معنادار نبوده است.

جدول ۴ نشان داد بین دیدگاه دانشجویان در مورد عوامل درونی تأثیرگذاری دروس معارف اسلامی برحسب جنسیت تفاوت معنادار وجود داشت، به عبارت دیگر دانشجویان مرد و زن نسبت به تأثیر گذاری عوامل درونی نگرش یکسان نبودند. بین دیدگاه دانشجویان در مورد عوامل بیرونی تأثیرگذاری دروس معارف اسلامی برحسب جنسیت، مقطع و رشته‌ی تحصیلی تفاوت معنادار وجود نداشت.

جدول ۱ وضعیت موجود اجرای دروس معارف اسلامی از دیدگاه دانشجویان

متغیر	میانگین	درجه‌ی آزادی	T	سطح معناداری
وضعیت موجود	۳/۰۶	۸۵	۲/۶	۰/۰۱

جدول ۲: آزمون  $T$  مقایسه‌ی میانگین هریک از عوامل درونی با میانگین فرضی ۳

متغیر	تعداد	میانگین	$T$	درجه‌ی آزادی	سطح معناداری
محتوا	۸۶	۳/۰۹۴	۱/۴۴	۸۵	۰/۱۵
روش تدریس	۸۶	۳/۰۱۱	۰/۱۴	۸۵	۰/۸۸
توانایی علمی اساتید	۸۶	۳/۲۳	۲/۴۳	۸۵	۰/۰۱
ویژگی‌هایی شخصیتی اساتید	۸۶	۳/۱۹	۱/۹۸	۸۵	۰/۰۵
ارزشیابی	۸۶	۳/۲۶	۱/۹۲	۸۵	۰/۰۵
جایگاه دروس معارف	۸۶	۳/۰۴	۰/۳۱	۸۵	۰/۷۵

جدول ۳: آزمون  $T$  مقایسه‌ی میانگین هریک از عوامل بیرونی با میانگین فرضی ۳

متغیر	تعداد	میانگین	$T$	درجه‌ی آزادی	سطح معناداری
اجتماع	۸۶	۳/۲۹	۲/۵۲	۸۵	۰/۰۱
رسانه	۸۶	۳/۰۳	۰/۳۳	۸۵	۰/۷۳
خانواده	۸۶	۳/۱۸	۲/۰۰	۸۵	۰/۰۴
جواحکم بر دانشگاه و فوق برنامه	۸۶	۳/۲۶	۳/۳۶	۸۵	<۰/۰۰۰۱

جدول ۴: مقایسه‌ی میانگین عوامل درونی و بیرونی براساس بر اساس ویژگی‌های جمعیت شناختی

متغیر	مجموع مربعات	درجه‌ی آزادی	میانگین مربعات	$F$	سطح معناداری
جنسیت	۲/۷۴	۱	۰/۴۶	۶/۶۸	۰/۰۱
	۱/۳۲	۱	۱/۳۲	۲/۳۴	۰/۹۴
مقطع	۰/۰۰	۱	۴۲۷/۲۴	۰/۰۰	۰/۴۲
	۰/۳۶	۱	۰/۳۶	۰/۶۵	۰/۴۰
رشته	۲/۵۹	۶	۲/۷۴	۱/۰۵	۰/۶۳
	۱/۷۲	۶	۰/۲۸	۰/۵۰	۰/۸۸

## بحث

نتایج حاصل از پاسخ‌های داده شده به سوال اول این پژوهش نشان داد که وضعیت موجود اجرای دروس معارف اسلامی در سطح خطای ۰/۰۵ از لحاظ مطلوبیت بالاتر از حد متوسط بود، به عبارت دیگر میزان تأثیر گذاری برنامه‌ی درسی معارف اسلامی از دیدگاه دانشجویان در سطح نسبتاً مطلوب بود. این نتایج با یافته‌های پژوهش مجیدی و فاتحی (۳) و یوسفی لویه (۱۷) همخوانی دارد. مجیدی و فاتحی در تحقیق خود ضمن مستند سازی نگرش دانشجویان نسبت به نحوه‌ی برنامه ریزی دروس معارف اسلامی و تبیین مشکلات موجود در این زمینه تصریح می کنند که کمی بیش از ۱/۳ دانشجویان دارای نگرش مثبت نسبت به دروس معارف اسلامی از نظر پاسخگو بودن و به روز بودن محتوای دروس معارف اسلامی نسبت به پرسش‌های اقتصادی و سیاسی، تعمیق باورهای دینی و القای نگرش‌های مثبت دینی و تثبیت و تقویت رفتارهای مثبت و ابعاد معنوی دانشجویان می‌باشند. به علاوه، یوسفی لویه (۱۷) نیز در تحقیق خود تأثیر آموزش دروس معارف اسلامی را بر روی نگرش دینی دانشجویان در حدی خوب ارزیابی می‌نماید. شباهت پژوهش حاضر با پژوهش مجیدی و فاتحی در این است که به بررسی نظرات دانشجویان در مورد دروس معارف اسلامی پرداخته شده است اما، تفاوت پژوهش حاضر با پژوهش مذکور در این است که، در پژوهش مجیدی و فاتحی به بررسی نحوه‌ی برنامه ریزی دروس معارف اسلامی پرداخته شد، در حالی که در پژوهش حاضر به بررسی موانع درونی و بیرونی دروس معارف اسلامی پرداخته شده است. شباهت پژوهش حاضر با پژوهش یوسفی لویه نیز در این است که هر دو پژوهش به دنبال بررسی معارف اسلامی هستند، اما در پژوهش یوسفی لویه تأثیر دروس معارف اسلامی در نگرش دینی دانشجویان مورد بررسی قرار گرفته است. اما نتایج حاصل از پاسخ‌های داده شده به سوال دوم این

تحقیق نیز نشان داد که اگرچه در ذیل عوامل درونی مورد نظر در این پژوهش مواردی همچون محتوا، روش‌های تدریس، توانایی علمی اساتید، ویژگی‌های شخصیتی آنان و جایگاه دروس معارف اسلامی در برنامه‌ی درسی می‌توانند تا حدودی به عنوان موانع تأثیر گذاری مطلوب دروس مذکور تلقی گردند، ولی با این همه از میان عوامل درونی مشخصاً عامل ارزشیابی به عنوان مانع اصلی تأثیرگذاری دروس معارف اسلامی شناخته شده. این بخش از نتایج با یافته‌های پژوهشی شفیع پور و خدادادی (۲) نیلی احمدآبادی (۱۸)، محمد بیگی دهقی (۱۹) همخوانی دارد. شباهت پژوهش حاضر با پژوهش‌های مذکور در این است که پژوهشگران مذکور نیز اهمیت و نقش مهم ارزشیابی دقیق و جامع در افزایش و ارتقای کیفی آموزش و فراهم کردن زمینه‌های رقابت سالم بین دانشجویان و درک عمیق مطالب در فرایندهای آموزشی تأکید کرده‌اند. اما تفاوت در این است که نیلی احمدآبادی و محمد بیگی دهقی در پژوهش خود به بررسی نظرات دانشجویان و اعضای هیات علمی در رابطه با عوامل مؤثر بر کیفیت آموزشی پرداخته‌اند. نتایج حاصل از پاسخ‌های داده شده به سوال سوم این پژوهش نیز موید آن بود که میانگین همه‌ی عوامل بیرونی بالاتر از حد متوسط بود. به عبارت دیگر این عوامل به عنوان مانع بیرونی اساسی در اجرای برنامه‌ی درسی معارف اسلامی شناخته شده بود؛ اما از نظر آماری فقط عامل رسانه معنادار نبوده است. باید براین نکته تأکید کرد که اصولاً در حوزه‌ی تربیت دینی و اخلاقی یادگیرندگان نقش و جایگاه عوامل و متغیرهای اجتماعی و مرتبط با جامعه بسیار بارز و برجسته است. در واقع، این حوزه‌ی تربیتی و آموزشی ماهیتاً به گونه‌ای است که موفقیت و کارآمدی آن صرفاً منوط به وجود متغیرهای آموزشی (عوامل درونی) نمی باشد؛ بلکه این حوزه به گونه‌ای است که اثربخشی آن علاوه بر عوامل درونی وابسته به متغیرهای بیرون از محیط آموزشی و مجموعه‌ی

اسلامی نداشته، اما گرایش تحصیلی در این امر موثر بوده است که با پژوهش ما همسویی دارد. نتایج پژوهش در مورد تفاوت دیدگاه دانشجویان در مورد موانع بیرونی اثرگذاری برنامه‌ی درسی معارف اسلامی بر حسب ویژگی‌های دموگرافیک نشان می‌دهد که بین دیدگاه دانشجویان در مورد عوامل بیرونی تأثیرگذاری دروس معارف اسلامی بر حسب جنسیت، مقطع و رشته‌ی تحصیلی تفاوت معنادار وجود داشت. به عبارتی دانشجویان با جنسیت مختلف، رشته‌ها و مقاطع تحصیلی متفاوت نسبت به عوامل بیرونی نگرش یکسان داشتند. اما گذشته از یافته‌های مذکور، لازم است که محدودیت‌های پژوهشی این مطالعه نیز مورد توجه قرار بگیرد. محدودیت‌هایی که عمدتاً ناشی از ملاحظات شخصی دانشجویان و عدم تمایل آن‌ها به ارایه پاسخ‌های واقعی به سوالات پرسشنامه، بی‌انگیزگی آموزشی و بالطبع ارایه پاسخ‌های نادقیق به پرسشنامه و نیز اعمال احتیاط در تعمیم نتایج این تحقیق به سایر محیط‌های دانشگاهی با توجه به تنوع و تفاوت‌های فرهنگی، اجتماعی و آموزشی دانشگاه‌های علوم پزشکی می‌باشد. با توجه به نتایج تحقیق پیشنهاد می‌گردد که برنامه ریزان و مجریان دروس معارف اسلامی دانشگاه‌ها نسبت به آسیب شناسی وضعیت موجود این دروس از دو منظر موانع درونی و بیرونی توجه و حساسیت علمی بیشتری از خود نشان دهند. تغییر و اصلاحات لازم در زمینه‌ی نحوه‌ی ارزشیابی دروس معارف اسلامی و خارج کردن آن از شکل فعلی که صرفاً به صورت آزمون‌های مداد- کاغذی و ارزشیابی‌های نهایی (تراکمی) است، ضرورت تام دارد.

هم چنین جهت تطبیق هرچه بیشتر کتب معارف اسلامی، پیشنهاد می‌شود با استانداردهای علمی تدوین کتاب درسی، نیازها، سوالات و دغدغه‌های اصلی و امروزی نسل جوان و دانشجو، اصلاحات و تغییرات لازم صورت گیرد. تصریح و تأکید بر نشان دادن ارتباط

روابط و مناسبات اجتماعی حاکم بر جامعه می‌باشد. از این منظر، می‌توان گفت که حیات جمعی انسان‌ها در همه جوامع، با ارزش‌ها گره خورده است. اگر جامعه‌ای بخواهد سرپا باشد، باید در آن ارزش‌های معینی مانند احترام به دیگران، رعایت تعهدات و راستگویی وجود داشته باشد. بنابراین، حیات جمعی انسان خود عرصه‌ی مهمی برای شکل‌گیری ارزش‌ها و درونی شدن آنهاست (۱).

همچنین افرادی که تحت پوشش نظام تعلیم و تربیت می‌باشند، نگرش‌های دینی و اعتقادشان را تنها از نظام تربیتی رسمی کسب نمی‌کنند بلکه تحت تأثیر نظام تربیتی غیر رسمی نیز می‌باشند (۱۲). بنابراین، هرچقدر هم که نهادهای آموزشی جامعه از جمله دانشگاه‌ها در زمینه تربیت دینی و عقیدتی دانشجویان تلاش و سرمایه‌گذاری نمایند ولی تا زمانی که شرایط اجتماعی و عینی جامعه و واقعیات موجود در آن آموزه‌ها و پیام‌هایی را به دانشجویان و جوانان منتقل کند که آموزش‌های رسمی و درسی را خنثی می‌نماید، نمی‌توان چندان به اثربخشی فعالیت‌های دانشگاهی در زمینه‌های دینی، اخلاقی و معنوی امیدوار بود. آنچه ضرورت دارد آن است که دانشجویان به عنوان افراد فرهیخته و آگاه باید آموزه‌های دروس معارف اسلامی را به طور عینی در جامعه و روابط اجتماعی خود مشاهده کنند.

نتایج پژوهش در مورد تفاوت دیدگاه دانشجویان در مورد موانع درونی اثرگذاری برنامه‌ی درسی معارف اسلامی بر حسب ویژگی‌های دموگرافیک نشان داد بین دیدگاه دانشجویان در مورد عوامل درونی تأثیرگذاری دروس معارف اسلامی بر حسب جنسیت تفاوت معنادار وجود دارد، به عبارت دیگر دانشجویان مرد و زن نسبت به تأثیرگذاری عوامل درونی نگرش یکسان ندارد (۲۰).

هم چنین پویازاده و شعیری در پژوهش خود بیان می‌کنند که سال‌های تحصیل و جنسیت تأثیری بر نوع نگرش دانشجویان الهیات نسبت به رشته‌ی الهیات و معارف

### نتیجه گیری

برنامه ریزان، طراحان و مجریان دروس معارف و اندیشه‌ی اسلامی در دانشگاه‌ها باید همواره نسبت به آسیب شناسی و تشخیص مهم ترین موانعی که اثربخشی و تأثیرگذاری این دروس را بر روی دانشجویان کاهش می‌دهند، حساسیت لازم را نشان دهند تا این طریق هدف و کارکرد اصلی دروس مذکور یعنی تربیت دینی، اخلاقی و ارزشی دانشجویان محقق گردد. از این منظر، تلاش در مسیر شناسایی و رفع موانع درونی و بیرونی که دروس معارف اسلامی با آن مواجه هستند، به عنوان ضرورتی انکار ناپذیر جهت ارتقای کارآمدی آن‌ها مطرح می‌باشد

### تقدیر و تشکر

در خاتمه محققین بر خود لازم می‌دانند از کلیه‌ی دانشجویان شرکت کننده در این پژوهش که با پاسخ‌های صادقانه‌ی خود، ما را در این تحقیق یاری دادند، تشکر و قدردانی نمایند.

و پیوند مفاهیم و آموزه‌های دینی مطرح شده در دروس معارف اسلامی با واقعیاتی که دانشجویان عملاً در جامعه‌ی پیرامونی خود مشاهده می‌کنند. این امر باعث می‌گردد که معارف دینی و اسلامی از نقشی فراتر از آموزه‌های صرف کلاس درس برخوردار شده و کارکرد مثبت آن در تنظیم و بهسازی امور اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه مشخص و مستند شود. توجه و تأکید عملی اساتید معارف اسلامی دانشگاه‌ها بر ایجاد و برقراری روابط عاطفی و صمیمانه با دانشجویان به منظور اثرگذاری بیشتر در انجام وظایف رسمی آموزشی خود. تلاش در جهت مجهز ساختن اساتید معارف به آخرین دستاوردهای نظری و علمی دانش بشری در حوزه‌ی دین و ادیان مختلف که آنان را قادر می‌سازد در جهان پرشتاب امروزی به بسیاری از ابهامات و سوالاتی که ذهن دانشجویان را به خود مشغول نموده است، پاسخ‌هایی روشن و مستدل بدهند.

### References

- 1- Bagheri KH. Internalization guide of moral values through the curriculum. *Journal of Curriculum Studies*. 2008; 8: 86-105.
- 2- Shafiepour Motlagh F, Khodadadi H. Attracting to Islamic studies classes in universities, Proceedings of the conference on science and technology and software in the field of Islamic Studies. 2010; 1.
- 3- Majidi MR, Fatehi A. Students' attitudes towards Islamic timetabling," *Journal of Research and Planning in Higher education*. 2007; 41:34-50.

- 4- Tofighi J. Necessary public Islamic course . *Journal of Islamic Studies*. 2002; 5:18.
- 5- Saad G. Starangic performance evaluation: descriptive and prescriptive analysis. *Jornal of Industrial Managment & Data system*. 2001; 101:390-399.
- 6- Dixon-Lee C. An international curriculum for the health information, health record administration profeeeional workforce. International Association of Universities .2005;(IAU).
- 7- Bazarang A. Intoduction to assessing quality in higher medical in Iran: challenges and



- perspectives. *Quality in Higher Education*.1999; 5: 61-69.
- 8- Kashani M. Analysis of strategies for higher education approved the realization of university environment ", *Journal of the Islamic University*. 2005; 25:11-46.
- 9- AshoriyeTaloki N. Education courses, the problems ahead ', Part I. *Culture of Islamic*. 2007; 21:4-16.
- 10- Liyaghatdar MJ, Shanazari J, Moslemi M. Evaluation of student satisfaction of public courses in the city of Kerman. *Journal of the Islamic Revolution*. 2008; 14(7).
- 11- UsefiyeLoye V. The role of the department of Islamic studies at the university. Tehran: *publication of Mshrqyn*. 2001.
- 12- UsefiyeLoye V. The Effect of Islamic lessons on students religious attitude. *Journal of Education*. 2007; 5(3).
- 13- Hoseynzade M. Religious views of principals and teachers about enhancing the quality of religious teaching , [Dissertation]. Isfahan: University College of Education and Psychology of Isfahan; 2000.
- 14- Aghajanighannad M R, Farzand vahy J. Attitudes Ilam University students' towards Islamic studies. *A study of the Islamic Revolution*. 2001.
- 15- Maleki H. Curriculum guide. Tehran: Payame of Andishe Pub; 2009.
- 16- Fathiye vajargah K. Principles of curriculum.Tehran: Iran zamin pub;2009.
- 17- Usefiyeloye V. Islamic studies courses, students: attitudes and trends. Secretariat of the Assembly of Islamic groups.2000.
- 18- Nili Ahmad Abadi M R. The study of factality members viwe in universities of Isfahan and Isfahan indutiral about effective factor on education quality. 1992.[Dissertation]
- 19- Mohamadbeygiedahagi, A. Factors affecting the quality of in-service training of teachers and learners in higher education from the view of the lerner and techer.1995.[Dissertation]
- 20-Poyazade A, shairi MR. Attitude of students towards studying theology Theology. *Journal of daneshvar*.2004;9:65-78.

## ***An Analysis and Assessment of Obstacles to Effectiveness of Islamic lessons (A Case Study in Kashan University of Medical Sciences)***

Amini M<sup>1</sup>, Rahimi H<sup>1</sup>, Samadian Z<sup>1</sup>

<sup>1</sup>Faculty of Human Sciences, University of Kashan, Kashan, Iran

**Corresponding Author:** Amini M, Faculty of Human Sciences, University of Kashan, Kashan, Iran

**Email:** [amini2740@yahoo.com](mailto:amini2740@yahoo.com)

***Received:*** 20 Nov 2012

***Accepted:*** 30 Apr 2013

***Background and Objective:*** The purpose of this research was analysis and evaluation of obstacles to effectiveness of Islamic lessons in Kashan Universities Medical sciences.

***Materials and Methods:*** Statistical population of this research included all students in Kashan Universities Medical sciences (N=2457) out of which a sample of 106 students participated in the study. Data was collected using a questionnaire developed by the researchers with a Cronbach Alpha coefficient of 0.83.

***Results:*** Results indicated that although general attitude toward Islamic courses is relatively desirable, there are a series of internal and external factors which decreases efficiency and effectiveness of these lessons.

***Conclusion:*** Internal and external factors are the cause of decreased effectiveness of such lessons.

***Keywords:*** *Islamic courses, Internal factors, External factors, Learning content*